

## جنبش خلاصی فرهنگی

ثریا شهابی

۲۸ اکتبر ۲۰۰۲

این متن بر مبنای مصاحبه رادیو انترناسیونال با ثریا شهابی تهیه شده است که شنبه ۱۹ اکتبر پخش شد.

**ثریا شهابی:** می پرسید که

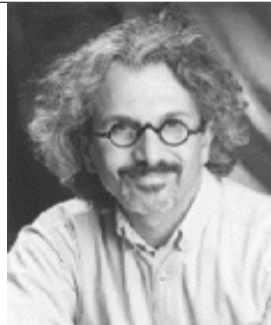
جوانان چه رابطه ای با جمهوری اسلامی دارند! و چرا جوانان به زندگی «مخفی» کشیده میشوند. واقعیت این است که زندگی جوانی و زندگی انسانی کردن در جمهوری اسلامی جرم است! اما این جرم بودن، جوانی کردن و زندگی انسانی کردن را از زندگی مردم و جامعه ایران حذف کرده است.

بلکه آن را به مخفی گاهها و زیر زمین ها کشانده است. در واقع آنچه را که دارد رژیم اسلامی ایران را از جا میکند، همین جوانان!

می دانیم که از طرف دیگر رژیم طی عمر بیست و چند ساله اش،

## اسلام سیاسی: ترازنامه چند هفته!

علی جوادی



در هفته های گذشته بار دیگر جهان شاهد موجی از عملیات تروریستی اسلامی و ریختن خون انسانهای بیگناه بود. و این تنها گوشه ای از جنگ تروریستهاست. جنگی که زندگی بشریت معاصر را در چنگال خود به اسارت گرفته است. جنگی که پس از فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر ابعاد گسترده تری بخود گرفته است.

در مسکو تروریستهای اسلامی منتسب به چچن ۷۰۰ نفر را که مشغول تماشای نمایشی بودند به

صفحه ۳



زندگی «زیر زمینی» است که ما به آن جنبش خلاصی فرهنگی می گوئیم.

**رادیو انترناسیونال:** چرا می گوئید جنبش؟ مشخصات و خصوصیات این جنبش چی است؟

**ثریا شهابی:** جنبش فقط آن حرکتی نیست که مردم در هر

صفحه ۳

## زیبا شدن و زیبا بودن گناه است

فقط

باید بخواهیم

نیمه شعبان،

پارتی های خیابانی

نامه هلی از ایران

صفحه ۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.

منصور حکمت



## ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم خواهد بود مصاحبه رادیو همبستگی با منصور حکمت

در باره اسلام سیاسی و ضرورت تشدید مبارزه علیه جریانات و حرکات اسلامی

این مصاحبه در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۹۹ از رادیو همبستگی در مالمو سوئد پخش شده است. بخش دیگر این مصاحبه در همبستگی شماره ۸۷ چاپ شد.

**رادیو همبستگی:** قبل از هر چیز برای ما بگویید لزوم تصویب قراری از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری درباره تشدید مبارزه با جریانات و حرکات اسلامی از کجا ناشی میشود؟ زیرا همه حزب کمونیست کارگری را بعنوان یک جریان ضد مذهبی می شناسند و مبارزه علیه جریانات ارتجاعی اسلامی هم در این چند سال یکی از مشخصات حزب کمونیست کارگری ایران بوده است. آیا این کافی نبوده؟

**منصور حکمت:** اینجا ما داریم راجع به یک موضوع متفاوت صحبت می کنیم. مخالفت کمونیستها با مذهب، افشاگری آنها از مذهب و تلاششان برای ایجاد یک جامعه غیرمذهبی، به

صفحه ۴

# آزادی، برابری حکومت کارگری!



از صفحه ۸

حرمات انسان، دشمنی شان با خوشی انسان، ضدیتشان با هر جامعه آسوده و هر فعل و انفعال آزادانه انسانها چیز کاملاً مشهودی است.

این یک جنبش است مثل فاشیسم برای مثال. ناسیونالیسم و راسیسم هم گرایشهای قدیمی تری هستند. اما وقتی نخواهد بود چون ابراز جنون‌آمیزترین و احمقانه‌ترین عقاید هم حق آدمهاست، میتوانند نظرشان را بگویند. هدف ما اینست که با ایجاد جامعه ای که هیچکس نمیتواند نیت سیاسی خودش را پشت چنین چیزی پنهان کند، جامعه ای که در آن برای مردم معلوم است دفتر و دستک هر جریانی کجاست و چکار دارد میکند، جلوی رشد اینها را بگیریم. در یک جامعه آزاد که همه حق دارند حرف بزنند، و هرکس حق دارد نمایشنامه بنویسد یا شعر بگوید، و یا برود در خیابان فریاد بزند و یا در مدرسه پا شود و هر ایرادی از برنامه درسی‌اش بگیرد، یا از کانال رادیو و تلویزیونی که وقتش بین شهروندان تقسیم شده، مردم حرفشان را بزنند و نظرشان را بگویند، اینکه از هر ده هزار نفر یک نفر پا شود و حرفهای فاشیستی بزند یا حرفهای راسیستی یا اسلامی بزند برای آن جامعه پدیده‌ای قابل تحمل و حتی قابل ریشخند خواهد بود و زیاد جدی اش نمی گیرند. ولی اگر شما سازمان فدائیان اسلام درست کنید و بعد بروید بمب بخرید، اسلحه انبار کنید، قاچاقی لیست آدرس خانه‌های مردم را تهیه کنید و بعد بروید آنها را ترور کنید، یا بخواهید بروید کشوری دیگر بمب بگذارید، آنوقت آن دولت مربوطه این جریان را نه بخاطر اسلامی بودنش بلکه بخاطر همین کارهایی که گفتیم میگیرد و میگوید شما حق ندارید جان کسی را بخطر بیاندازید، شما حق ندارید اقلیتی را برترسانید، کسی را تهدید به مرگ بکنید، زندگی امن کسی را برایش ناامن کنید. در نتیجه بنظر من آزادی بیانشان را خواهند داشت. متأسفانه یک عده‌ای هنوز این افکار را دارند. اما فکر میکنم در چنان شرایطی کمتر و کمتر میشوند. بنظر من آزادی بهترین درمان جهالت و حماقت است. اگر یک جامعه‌ای آزاد باشد و هرکس بتواند حرفش را بزند، در طول زمان حرفها حسابی‌تر میشود، عمیق تر میشود و انسانی‌تر میشود. دقیقاً دیکتاتوری است که این آشغالها را از خودش بیرون میدهد. من فکر میکنم اگر جامعه اینقدر از خودش مطمئن باشد و بخصوص

اینقدر قدرت سیاسی دست مردم پخش شده باشد که کسی نتواند با توطئه قدرت سیاسی را از مردم بگیرد یا کسی با کودتا یا بمب اندازی یا خشونت و تروریسم تاثیری در روال سیاسی جامعه بگذارد، آنوقت حرف زدن اینها چیزی جز آگاهی برای جامعه نمی‌آورد. برای اینکه میشود به بچه‌های مدرسه‌ای نشان داد و گفت ببینید در مقابل این حرفهای عاقلانه‌ای که هست، یک عده هم هستند که اینطور فکر میکنند و فکر میکنند اینها جریانات منزوی و مسخرهای خواهند شد. کما اینکه الان هم بنظم بعنوان عقیده، بعنوان اندیشه، اینها منزوی اند. از یکطرف روی پول و از طرف دیگر روی ارباب، روی تروریسم و کشتار قدرشان را نگه داشته‌اند. از طرف دیگر خیلی از مردم در خاور میانه کانالهای واقعی ابراز وجود برویشان بسته است. اگر شما در ایران و عربستان و مصر و سوریه و عراق احزاب مارکسیست و سوسیالیست، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای زنان داشتید، کسی نمیرفت برای اینکه ناراضی اش را از رژیم دیکتاتوری روز نشان دهد عضو سازمان اسلامی بشود. مردم میرفتند عضو سازمانهایی میشدند که حرمت و شخصیتشان را بالا میبرد. من فکر میکنم آزادی جواش است، طرفدار سرکوب نیستم ولی طرفدار دستگیری و تعقیب قضایی هرکسی که بخواهد آسایش، امنیت، سلامت روحی و جسمی کسی را بخطر بیاندازد هستم و اسلامی‌ها البته این رشته شان است. و من بعید میدانم که اینها یک سازمان اسلامی درست کنند و فوراً مشغول ترساندن بچه‌هایشان نشوند. باید نهادهایی باشند که از حقوق شهروندان در مقابل اینها دفاع کنند و مانع دست زدن اینها به اعمال غیرقانونی شوند. اگر در چهارچوب قانون یک کشور بخواهند حرفشان را بزنند بنظر من باید آزاد باشند، با همه جنایاتی که اسلافشان کرده‌اند بالاخره باید آزاد باشند که حرفشان را بزنند. این حقی است که با تولدشان بدست آورده اند. هرکه دنیا آمده حق دارد نظرش را بگوید و بنظر من هیچ دولتی نمیتواند این حق را از کسی سلب کند.

رادیو همبستگی: ایران جامعه ای قطبی است در مورد اسلام. یعنی اسلامیه‌ها و ضداسلامیه‌ها هر دو فعال هستند. تقابل این دو گرایش را چگونه میبینید؟ آیا فکر میکنید رنسانسی در ایران در جریان است؟ منصور حکمت: من فکر میکنم آنچه در جریان است یک نفرت

مشت آدمکش اند، که حتی همین آقای خاتمی، که دیروز در تمجید رهبرش حرف زده، بیست سال است جزو مهره های حکومت اسلام در این کشور است. ایشان زمانی که در آن مملکت پست و مقام داشته، در زندانها داشتند عزیزان ما را میکشند، همین الان هم که رئیس جمهور است زن اجازه ندارد بیرون بیاید و بگوید من چه میخواهم و نمیتواند لباسی را که میخواهد بپوشد و یا به کاری که میخواهد بپردازد. در آن مملکت زن حقوقی ندارد و این رژیم آقای خاتمی است. البته بنظر من روشنفکر در ایران به قشری گفته میشود که پستراول های جامعه هستند. خوشفکرترین و آزاداندیش ترین ها را باید رفت در نسل درگیر در زندگی گیر آورد که میروند روی پشت بام خانهاش آتن ماهواره ای میگذازد، ریسک اینکه ممکن است بیایند و بگیرندش را میبذیرد و سعی میکند بداند دنیا دارد چه میگویی. او روشنفکر واقعی آن مملکت است. اینها پستراول هایی هستند که دکان انتلکتونلی برای خودشان درست میکنند و خیلی جای تأسف است. برای اینکه امروز جای کسانی که کل ریشه‌های اسلام را به جنگ بطلبند، کسی که بیاید با لحن صادق هدایت و علی دشتی آبروی اینها را ببرد واقعا خالی است. اگر کسی اینکار را بکند بنظر من چهره اش تابناک تر از هر شخصیت تاریخ فکری این مملکت ثبت میشود تا صدها سال بعد، کسی که بشود پرچمدار مبارزه معنوی و فکری مردم ایران علیه اسلام و اسلامیت. جای این خالی است. در نتیجه امروز این صرفاً یک کشمکش سیاسی است، اینکه یک موج برگشت سیاسی چقدر میتواند دستاوردهای ضد اسلامی مردم را تثبیت کند، جای سؤال است. من به آن رنسانس نیامدمی به مردم بگویم که این دین کثیف است؟ اصلاً بطور کلی دین کثیف است؟ که اینها یک

اول یک حرکت توده ای وسیع مردم علیه ابراز وجود سیاسی - اجتماعی اسلام است، ولی اینکه این چقدر با یک نقد عمیق فکری همراه شود که تبدیل به سرمایه‌ای برای نسل های بعدی بشود و جامعه از این دوران خرافی - مذهبی اش عبور کند، باید دید این در عمل چه میشود. واضح است که با یک جنبش موج برگشت علیه اسلام، حتماً متفکرینی هم عروج خواهند کرد. ولی الان شاهد این نیستیم. برعکس آنچه الان حزب کمونیست کارگری و یک عده آدمهای خوشفکر به کنار، این است که بخش اعظم آنهايي که میخواهند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند، به خیال خودشان دارند "لارنگی" بخروج میدهند، منتهی این زرنگی یک زرنگی دهاتی است که فکر میکنند آها اگر ما یک آخوند خوب را تشویق کنیم در مقابل آخوند بد، این پیشرفت محسوب میشود. فردا یک آخوند دیگر را در مقابل خاتمی قرار میدهم، پس فردا یک آخوند دیگر، تا یواش یواش یک روز این آخوند آخری را می توانیم بهش بگویم تو میتوانی آخوند نباشی. یک حالت به اصطلاح پلیتیک زدن و کلک زدن به تاریخ که اصلاً هیچوقت در تاریخ موفق نبوده. و جای تأسف است، برای اینکه از روشنفکر و شاعر و نویسنده تا سیاسیونی که آدم می بیند خیلی ها توی این دلچک بازی سیاسی شریکند و به نظر من سد راه شفافیت مبارزه آتی هستند. من فکر میکنم همه اینها منزوی میشوند. هرکس امروز با هرگوشه اسلام یا هرگوشه جمهوری اسلامی لاس زده باشد فردا در جمعیت های بزرگ مردمی باید جواب سؤال مردم را بدهد: شما که بهتر میدانستی چرا آن موقع، که کسی هم اسلحه روی شقیقه ات نگذاشته بود، حرف دلت را نزدی؟ چرا نیامدی به مردم بگویم که این دین کثیف است؟ اصلاً بطور کلی دین کثیف است؟ که اینها یک

از صفحه ۸ جنبش خلاصی ۰۰۰ لحظه به خیابانها بیاید و اعتراض کند. یک جنبش اشکال بروز متفاوتی دارد. جنبش می تواند متفاوت از شکل بروز باشد. جنبش خلاصی فرهنگی، شکل بروز زیر پا گذاشتن مقررات اسلامی است. و نه تنها زیر پا گذاشتن مقررات اسلامی بلکه انجام دادن نوع دیگری از فعالیت سیاسی - اجتماعی و شخصی، آنطوری که مردم خودشان می خواهند. این جنبش است. به این خاطر که شبکه وسیع و میلیونی از کسانی که وسایل فرهنگی - سیاسی و اجتماعی مورد نیاز این جنبش را تولید و توزیع می کنند، آن را شکل داده اند. از هنرمندان و هنردوستان تا احزاب و فعالین سیاسی، از صاحبین کسب و کار تا رسانه ها و مطبوعات، از زنان و جوانان تا معترضین و مبارزین، از این جنبش تغذیه میکنند و آن را غذا می دهند. بر بستر این جنبش میلیونها نفر دارند جوری اقدام می کنند و درست خلاف آن چیزی است که رژیم اسلامی میخواهد. این جنبش هم عمر رژیم اسلامی است. نمی توان گفت که تنها یک نافرمانی است که مردم دارند انجام می دهند! جنبش خلاصی فرهنگی یک جنبش عظیم و میلیونی تحمیل فرهنگ غیر اسلامی به یک حکومت کور و قرون وسطایی اسلامی است. این جنبش اکثریت عظیم جامعه را با خودش دارد. بخصوص زنان و جوان در مرکز و کانون این جنبش قرار دارند.

زمین» بیرون می آید. جوانان دارند مشخصات جنبش شان را به حکومت اسلامی تحمیل می کنند. این جنبشی است که طرفدار موزیک روز غربی است. جنبشی است که وسیعا دسترسی به دنیای بیرون را میخواهد. و اینترنت این امکان را برایش فراهم کرده است که بتواند با دنیای علمی - سیاسی و فرهنگی بیرون، که این بیرون غرب است، ارتباط داشته باشد.

فشار جنبش خلاصی فرهنگی آنقدر زیاد است که دارد رژیم را می اندازد. علیرغم همه تنگ نظری ها و قرون وسطایی بودن حکومت، علیرغم ۲۳ سال قمه کشی و نعره های اسلامی در مورد اینکه مهم نیست چه اتفاقی می افتد! که رفاه مردم مهم نیست! و اسلام باید پیروز شود! و فرهنگ اسلامی باید پیروز شود! رژیم اسلامی و اسلامی ها مجبور شده اند «بیش از ظرفیت شان» عقب بنشینند. تا جایی که امثال آقای گنجی جمهوری خواه میشود و اسلامیت اش را کنار میگذارند. این یک جنبش میلیونی است و ابعادش خیلی فراتر از سرپیچی کردن افراد و احاد منفرد و متمیزه جامعه است. یک شبکه میلیونی از مردم مشخصات نوع، زمان و مکان اعتراض به رژیم را ترسیم کرده است. اینکه که چه جوری میشود به رژیم اعتراض کرد، مثلا میشود حجاب را عقب زدن، لباس اسلامی نپوشید، مقررات و ممنوعیت ها را زیر پا گذاشت و به این ترتیب رژیم را زیر فشار گذاشت، همه و همه یک تصمیم عمومی میلیونی مردم است. واقعیت این است که تنها با مرخص شدن رژیم اسلامی معلوم خواهد شد که مردم ایران چگونه با «زندگی» تحت حاکمیت اسلام توانستند «کنار بیایند»! تنها با رفتن رژیم مکانیسم ها و ظرایف جنبش خلاصی فرهنگی معلوم خواهد شد!

اجازه بدهید باز تاکید کنم که اساسا این جوانان هستند که در راس این جنبش و کانون آن اند. و طبعا شروع اعتراض جوانان هرگز به این خاطر نبوده است که مثلا میخواسته اند رژیم را سرنگون کنند! شروع این جنبش آن جایی است که مردم، زنان و جوانان میخواهند جوانی و زندگی شان را بکنند! و این رژیم و این سیستم درست مقابل آن قرار گرفته است. که در جمهوری اسلامی چشم باز کرده و پدیا آمده اند، را با شستشوی مغزی اسلامی کند! نتوانسته اند. جنبش خاصی فرهنگی آنقدر قوی است که رژیم با تمام کنترلی که کرد، با تمام محدودیت

هایی که بوجود آورد، و با وجود دیوار آهنینی که دور ایران کشید و ورود هرتوع افکار و فرهنگ و اخلاقیات آزادیخواهانه به آن را ممنوع کرد، و نسلی را که مبشر این آزادی ها بود از بین برد، نتوانسته است آن را شکست دهد. وجود جنبش خلاصی فرهنگی اساسا شرط زندگی و بقا انسان قرن بیست و بیست و یک، تحت حاکمیت ارتجاع قرون وسطای اسلامی است.

**رادیو انترناسیونال:** چشم انداز این جنبش را چگونه می بینید؟

**ثریا شهابی:** تا اینجا دستاورد این جنبش این بوده که رژیم اسلامی را مجبور کرده است که به آخرین سنگر هایش عقب نشینی کند. آنقدر عقب نشسته اند که اگر مردم و جوانان اجازه بدهند که نظام شان برجا بماند، حاضراند بروند و در قم بنشینند و مثل کشیشان در واتیکان، آخوندی شان را بکنند. این جنبش آنقدر قوی است که یک رژیم هار قرون وسطایی به سردمداری خمینی را، که میگفت هرکس که مخالف نظام جمهوری اسلامی است را باید نابود کرد، به جایی کشانده است که حاضر اند برود در قم بنشینند و به کسب و کار آخوندیشان برسند! مردم اما از آنها قبول نمی کنند. مردم نابودی کامل شان را میخواهند. چشم انداز این جنبش بی تردید سرنگونی کامل و همه رژیم است. ما یکی از طرفداران پروپاقرص و محکم جنبش خلاصی فرهنگی هستیم و در راس آن قرار داریم. به این خاطر که مطالبات بسیار روشنی که جواب نیازهای انسانی و نیازهای آزادیخواهانه جوانان، زنان، کارگران و اکثریت عظیم جامعه را می دهد، در برنامه مان گنجانده ایم. و ۲۳ سال است که نشان داده ایم که ما پای محکم متحقق کردن این خواست ها هستیم. به اعتقاد من چشم انداز این جنبش بی تردید سرنگونی جمهوری اسلامی است. و پیروزی آن در گرو ایجاد یک نظام سوسیالیستی و یک دنیای بهتر است. ایجاد نظام و جامعه ای که ضمن اینکه میتواند عواقب مخرب نظام اسلامی، که فقر، اعتیاد، فحشا، کودکان خیابانی و زنان تن فروش است را با حمایت از قربانیان این مصائب، از چهره جامعه پاک کند، بلکه در عین حال میتواند یک جامعه مرفه، آزاد و برابر را برای مردم و جوانان بوجود آورد. کمونیسم میتواند جنبش خلاصی فرهنگی در ایران را به جامعه ای شایسته انسان منتهی کند!

**از صفحه ۸ اسلام سیاسی...** یزد اسلامیهستنا سنگسار کردند. اما این زن بخت برگشته در یک اقدام باورنکردنی قادر شد از چالهای که برایش کنده بود، در حین سنگسار، خارج شود.

هر کس که به این وقایع نگاه میکند، بدون تردید از خود میپرسد: آیا این سرنوشت انسان قرن بیست و یکم است؟ آیا این سهم بشر در عصر اینترنت و تبدیل کره زمین به دهکده جهانی است؟ برای خلاصی از این وضعیت چه باید کرد؟

بدون شک ما شاهد یکی از خونبارترین دوران تاریخ معاصر هستیم. این اقدامات تروریستی که در چهار گوشه جهان در شرف وقوع است، منفرد یا پیوسته، جمعی یا فردی، همگی اما بر بستر واحدی شکل میگیرند. دارای ریشه یکسانی هستند. از منابع یکسانی تغذیه میکنند. در سنت معینی متحقق میشوند. این سنت و سیاست جنبش اسلام سیاسی است. این جنبش، اسلام سیاسی، بدون تروریسم قادر به بقاء نیست. ابزارش برای کسب قدرت ترور و ارباب و اسید و شلاق و چوبه دار و زندان و عمامه و نارنجک و عملیات انتحاری است. از انسان بمب انتحاری هوشمند" میسازد. از هوایما قاره پیمان موشک اسلامی قاره پیمان میسازد. قربانیانش عادی ترین و بی خبرترین مردم و افراد غیر نظامی اند. و بدتر آنکه بسیاری از سربازانش خود از محرومترین انسانهای معاصرند. از زخم و ستمی که بر مردم رفته است، تغذیه میکنند تا این مردم محروم را قربانی اهداف خود کند. هدف این جنبش ارتجاعی قدرت سیاسی است. اسلام سیاسی جنبشی برای کسب قدرت و سهم بری از قدرت سیاسی در کشورهای اسلام زده در خاورمیانه است. این جهادی ضد انسانی برای سیاه کردن زندگی بشریت آزادیخواه و متمدن و امروزی در چهارچوب اهداف اسلامیهستی است. زمانی توسط غرب در مقابله با لجنزارهای جامعه به جلو صحنه آورده شدند. اما امروز پس از خدمات اولیه در رقابت و تقابل با اربابان سابق خود قرار گرفتهاند.

در بالی اندونزی بیش از دویست نفر که برای رقص و شادی به دیسکوتک رفته بودند، قربانی عملیات تروریستهای اسلامی شدند. دختر و پس در حال رقص و شادی، در یک چشم بهم زدن در آتش تروریسم اسلامی سوختند. دیسکوتک تبدیل به جهنم اسلامی شد. همه چیز سوخت و نابود شد تا اسلامیهستها به اهداف خود نزدیک شوند. همانطور که اسلامیهستها و آخوندها در ایران سینما رکس آبادان را به آتش کشیدند و چند صد نفر را جزغاله کردند.

در ایران نیز اقدامات از یک جنس بودند. اما چهره قاتلین مخفی نبود. در اینجا مردم قاتلین را میشناسند. در خفا قربانیان را نکشتند. اینجا دولت اسلامیهست است. دولت تروریست است. تروریسم دولتی است. بزرگترین نیروی تروریست اسلامی در جهان. در پروندهاش اعدام و کشتار بیش از صد هزار انسان شریف و آزادیخواه قرار دارد. بار دیگر چوبههای دار را در شهرها بر پا کردند. در عرض دو هفته ۴۳ نفر را اعدام کردند. گردشگاه و پارک را به میدان اعدام تبدیل کردند. چندین جوان را در خیابانها و پارکهای شهر برای ارباب مردم وحشیانه به دار کشیدند. در کردستان چند زندانی سیاسی را اعدام کردند. زنی را در

یزد اسلامیهستنا سنگسار کردند. اما این زن بخت برگشته در یک اقدام باورنکردنی قادر شد از چالهای که برایش کنده بود، در حین سنگسار، خارج شود.

بدون شک ما شاهد یکی از خونبارترین دوران تاریخ معاصر هستیم. این اقدامات تروریستی که در چهار گوشه جهان در شرف وقوع است، منفرد یا پیوسته، جمعی یا فردی، همگی اما بر بستر واحدی شکل میگیرند. دارای ریشه یکسانی هستند. از منابع یکسانی تغذیه میکنند. در سنت معینی متحقق میشوند. این سنت و سیاست جنبش اسلام سیاسی است. این جنبش، اسلام سیاسی، بدون تروریسم قادر به بقاء نیست. ابزارش برای کسب قدرت ترور و ارباب و اسید و شلاق و چوبه دار و زندان و عمامه و نارنجک و عملیات انتحاری است. از انسان بمب انتحاری هوشمند" میسازد. از هوایما قاره پیمان موشک اسلامی قاره پیمان میسازد. قربانیانش عادی ترین و بی خبرترین مردم و افراد غیر نظامی اند. و بدتر آنکه بسیاری از سربازانش خود از محرومترین انسانهای معاصرند. از زخم و ستمی که بر مردم رفته است، تغذیه میکنند تا این مردم محروم را قربانی اهداف خود کند. هدف این جنبش ارتجاعی قدرت سیاسی است. اسلام سیاسی جنبشی برای کسب قدرت و سهم بری از قدرت سیاسی در کشورهای اسلام زده در خاورمیانه است. این جهادی ضد انسانی برای سیاه کردن زندگی بشریت آزادیخواه و متمدن و امروزی در چهارچوب اهداف اسلامیهستی است. زمانی توسط غرب در مقابله با لجنزارهای جامعه به جلو صحنه آورده شدند. اما امروز پس از خدمات اولیه در رقابت و تقابل با اربابان سابق خود قرار گرفتهاند.

اما بشریت محکوم نشده است که در زیر دست و پا و در جنگ تروریستها خرد و نابود شود. محکوم نشده است که تماشاگر باشد. میتوان ورق را برگرداند. میتوان صحنه را عوض کرد. در مقابل این جانبان بشریت متمدن میتوان و باید از

## زیبا شدن و زیبا بودن گناه است

نامه‌ای از ایران

من دانشجوی هستم ، در این مدت گذشته در محیط دانشگاه اتفاقات مختلفی افتاد و فکر می کنم خیلی از آنها به گوش شما هم رسیده. ولی خب بد نیست من هم از دید خودم بیان کنم.

اولین جایی که محدودیت و استبداد را به معنای واقعی حس کردم دانشگاه بود چون تا قبل از آن کمتر به اوضاع جامعه توجه کرده بودم، یا در واقع خودم بیرون از خانواده قرار نگرفته بودم. پوشیدن چادر در دانشگاه اجبار بود. یک خانم چادری که صورتش به زحمت دیده می شد هر روز صبح هنگام ورود به دانشگاه سر تا پای بچه ها را نظارت می کرد. در محوطه ی دانشگاه هم زیر ذره بین بودیم. آنقدر که حس می کردم یک اشکال

بزرگ در نوع پوشش من و تمام بچه ها هست، همه ی دانشجویان را به دروغ و ریا وادار کرده اند. سلف سرویس غذاخوری، اکثر کلاس ها، کتابخانه ها، ایستادن در ایستگاه سرویس، همه و همه برای دخترها و پسرها جدا ست. آقایی در ایستگاه مراقب است که میادا آقاییون و خانم ها در سرویس کنار هم بنشینند. برای یک اردوی علمی هم بنشینند. برای یک اردوی علمی تفریحی که رفتیم جاسوس داشتیم. گفتند که هیچ آهنگی را نباید گوش کنیم. حتی به دست زدن و سروصدای بچه ها هم ایراد گرفتند و . . . پخش می کنند که که حتی نمی توان مطالعه ی شخصی کرد، با روح و اعصاب ما بازی

## فقط باید بخواهیم

نامه‌ای از تهران

در این دیار دلم گرفته. خوشبختی، لذت، شادی و رفاه تقسیم شده است. متعلق به گروه خاصی است. آگه خوب نگاه کنی دو رنگ را

میبینی. یکی خسته از کار روزانه، اجاره خانه، خرج زندگی، انگار فقط برای کار کردن و جان کندن بدنیا آمده، همیشه بده کار و همیشه گرفتار. دیگری در مال و ثروت شنا میکنه و بدبختی و سختی زندگی را فقط در فیلمها دیده.

این عادلانه نیست. خودشان هم میدانند. این سفره شادی و رفاه فقط برای آنهاست. باید کاری کرد. باید دست همه را به این سفره رساند. باید این تبعیض را از بین برد. باید این دوکفه ترازو را یکسان کرد. فقط باید بخواهیم."

## نیمه شعبان، پارتی‌های خیابانی

حامد از تهران

برای جمهوری اسلامی نیمه شعبان" فرارسیده است. نیمه‌ای" که روزی مقدس" و عید" است. برای جوانان اما این نیمه‌ها" روز شادی و مستی و پایکوبی است. آنها در حالی که رژیم‌ها در حال خواندن نوحه و قرآن هستند و عاجزانه طلب بخشش از خدایشان را میکنند، گرد هم جمع میشوند، زیر نور چراغانی‌ها و در وسط کوچه و خیابان با گذاشتن موزیک‌های غیرمجاز" با هم به رقص و پایکوبی میپردازند و از ته دل شادی میکنند و محکم و بدون ترس به این حکومت میگویند: گورتان را گم کنید! عید ما، روز جشن سرنگونی شماست!" چه زیباست آنروز.

کور می شود و کم کم جو حاکم می رسد به همین جایی که حالا رسیده. زیبا شدن و زیبا بودن گناه است. جامعه به ما یاد داده زیبایی های وجودی را باید مخفی کرد. و همین ها شده مشغله اصلی جوانان و در واقع فرصت فکر کردن به مسائل اصلی دیگر را از آنها گرفته اند.



## اسلام سیاسی...

خود دفاع کند. علیرغم تمام توحش و بربریتی که در مقابل ما قرار داده‌اند، قرن حاضر میتواند دوران بربریت جنشهای ارتجاعی و خانمانسوز نباشد. ما میتوانیم زیر دست طالبانها و ملا عمر ها و خامنه‌ایها و خاتمی ها و بن لادن‌ها و ژنرالهای دست به موشک کروز و بمب افکنها زندگی نکنیم.

در این باره بعدها بیشتر باید صحبت کرد. اما اساسیترین حلقه در راه خلاصی از شر تروریسم اسلامی سرنگونی هیولای اسلامی حاکم بر ایران است. رژیم اسلامی پدرخوانده این گانگستریسم اسلامی در عرصه جهانی است. الگو و مدلی است که جریانات متعدد اسلامی در آرزوی تحقق آن هستند. اما نابودی این طاعون اسلامی کار مردم ایران است. کار جوان است. کار زن است، کار جوان است. کار جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. کار کمونیسم کارگری است.



## طول موج جدید رادیو انترناسیونال

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال، از روز ۴ آبان برابر با ۲۷ اکتبر، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش میشود.

همینطور ساعت پخش رادیو، مجددا ساعت ۹ شب به وقت تهران خواهد بود.

رادیو انترناسیونال صدای مردم آزادمنش، کنجکاو و حق طلب است. با معرفی و شناساندن گسترده‌تر رادیو انترناسیونال، تبلیغ طول موج و ساعت پخش رادیو، صدایتان را به هر خانه ای ببرید.

روابط عمومی رادیو انترناسیونال  
۱۸ اکتبر ۲۰۰۲

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-international.org

**در راه مبارزه برای یک جامعه آزاد و برابر به ما بپیوندید!**  
**برای ارتباط با سازمان جوانان کمونیست از شماره تلفن، ایمیل و یا آدرس پستی زیر استفاده کنید:**

**تلفن:**

0049 174 944 02 01

**ایمیل:**

javanane-komunis@web.de

**آدرس پستی:**

Jawanane  
Postfach 620 515  
10795 Berlin  
Germany

**تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:**

0045-51802610

0044 776 110 66 83

00491711547661

0046 70 48 68 647

001 416 69 80 358

00905552048603

0049 174 944 02 01

www.jawanane.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.childrenfirstinternational.org

**به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!**

## جوانان کمونیست

**نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران**

Tel: 001- 416 434 15 45

Fax :001- 781 735 83 59

E-Mail : shahabi\_99@yahoo.com

jawanane-komunist@web.de

www.jawanane.org

Address: Jawanane

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany